

# A Survivor's Story : Ali Jalali

# سرگذشت یک بازمانده علی جلالی فراهانی



درمان جراحتهای خردل در بیمارستان  
دانشگاه توکیو، ژاپن



علی جلالی فراهانی در حال صحبت در  
یک کنفرانس . عکس او از زمان جنگ در  
پس زمینه می باشد.

من در اراک زندگی می کنم، شهری در مرکز ایران، ۲۴۰ کیلومتری تهران. اکنون ۴۲ سال دارم و سرپرست بنیاد حفظ آثار جنگ در استان هستم.

در اسفند ۱۳۶۶ (مارس ۱۹۸۸) در نزدیکی مریوان، ایران، این سوی مرز شهر حلبچه در شمال عراق شیمیایی شدم. عراقی ها شهر حلبچه را با گاز اعصاب بمباران کرده و در اطراف شهر جایی که رزمندگان ایرانی مستقر بودند، گاز خردل به کار بردند. من در معرض مقادیر بالایی از گاز قرار گرفتم. بعد از چند ساعت تاول های وخیمی در پوستم ظاهر شدند و تمام بدنم سوخت. همچنین حجم زیادی از گاز را تنفس کرده بودم، در نتیجه راههای هوایی ام هم سوختند، همین طور چشمانم.

به علت وخامت وضعیتم، در لیست مصدومینی قرار گرفتم که برای درمان به خارج از کشور فرستاده شدند؛ جایی که امکانات بهتری برای درمان وجود داشت. بعضی ها به کشورهای غربی فرستاده شدند و بعضی به شرق. من ۴ ماه و نیم در بیمارستان های ژاپن به سر بردم. خانواده و پزشکان در مورد وضعیتم نگران بودند و هیچ امیدی به بهبودم نداشتند، اما به هر حال من زنده ماندم. تنها پسر من (که اکنون ۱۸ ساله است) چند روز پیش از این وقایع به دنیا آمد و اولین باری که مرا دید در عکسی در بیمارستان ژاپنی بود! همسر من توانست به توکیو بیاید و چند روز در کنار من باشد، گرچه من بیهوش بودم.

در حال حاضر من از صدمات شدید ریه، مشکلات بینایی و مشکلات پوستی و آثار زخم ها رنج می برم. وضعیت سلامتم هر روز بدتر می شود، اما من همچنان امیدوارم و به مبارزه برای زنده ماندن ادامه می دهم.

هنوز خاطره درد و رنج هایم را به وضوح به یاد می آورم، اما در کنار آنها محبت ها و زحمات پزشکان و پرستاران ژاپنی بیمارستان دانشگاه توکیو را نیز که مرا زنده نگه داشتند، به خاطر دارم. من هرگز آنچه را که آنها برایم انجام دادند فراموش نخواهم کرد.

نوشته شده توسط علی جلالی فراهانی - ۱۳۸۴